

## Predicting Obsessive Symptoms on the Bases of Metacognitive Beliefs, Responsibility and Latent Aggression

Saman Sadeghpour\*<sup>1</sup>, Shahram Mohammadkhani<sup>2</sup>, Fatemeh Ayat Mehr<sup>3</sup>

1- MA in clinical psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran (sadeghpour.saman@gmail.com)

2- Assistant of Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

3- MA in clinical psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

### Abstract

**Background:** Due to the complex and heterogeneous nature of Obsessive- Compulsive Disorder (OCD), one cannot rely on a theory to explain this disorder.

**Purpose:** So the aim of the current study was to predict OCD based on three variables including latent aggression, metacognitive beliefs and responsibility.

**Method:** A sample of 158 students of kharazmi university (100 female and 58 male) were conveniently selected and answered Maudsley Obsessive Compulsive Inventory (MOCI), Metacognition Questionnaire-30 (MCQ-30), Responsibility and Interpersonal Behaviors and Attitudes Questionnaire (RIBAQ) and Responsibility Attitude Scale (RAS). Data were analyzed using Pearson correlation and stepwise regression analysis.

**Results:** Results indicated that among the predictor variables, uncontrollability metacognitive variable was the best predictor of obsessive symptoms. In the next step worry-responsibility variable had the most predicting potency.

**Conclusion:** So it seems that among this three models of OCD, metacognitive model has the best potency of predicting OCD symptoms and this result can be considered in therapeutic implications.

**Keywords:** Obsessive-Compulsive Disorder, Metacognitive beliefs, responsibility, Latent aggression, Ambivalence.

پیش‌بینی علایم وسواسی براساس باورهای فراشناختی، مسئولیت-پذیری و پرخاشگری نهفته در دانشجویان

سامان صادق‌پور<sup>۱\*</sup>، شهرام محمدخانی<sup>۲</sup>، فاطمه آیت‌مهر<sup>۳</sup>

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی،

([sadeghpour.saman@gmail.com](mailto:sadeghpour.saman@gmail.com))

۲- دانشیار گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی

## چکیده

**مقدمه:** با توجه به ماهیت پیچیده و ناهمگون اختلال وسواس فکری-عملی (OCD) نمی‌توان با اتکا به یک نظریه امیدوار به تبیین این اختلال بود.

**هدف:** لذا پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی OCD براساس سه متغیر پرخاشگری نهفته، باورهای فراشناختی و مسئولیت‌پذیری انجام شده است.

**روش:** نمونه پژوهش شامل ۱۵۸ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی (شامل ۱۰۰ دختر و ۵۸ پسر) بود که بصورت در دسترس انتخاب و به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های وسواس سنج مادزلی، پرسشنامه باورهای فراشناختی، مسئولیت‌پذیری و نگرش‌ها و رفتارهای بین‌فردی موریتز و مسئولیت‌پذیری سالکوسکیس استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌ها، از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیر فراشناختی کنترل‌ناپذیری بهترین پیش‌بینی کننده‌ی علایم وسواسی است. در مرحله‌ی بعد متغیر نگرانی-مسئولیت‌پذیری بیشترین توان پیش‌بینی کننده‌ی را داشت؛

**نتیجه‌گیری:** بنابراین بنظر می‌رسد که از بین سه مدل تبیین OCD، مدل فراشناختی بیشترین توان پیش‌بینی نشانگان وسواسی را دارد و این یافته در کاربردهای درمانی می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** اختلال وسواس فکری-عملی؛ باورهای فراشناختی؛ مسئولیت-پذیری؛ پرخاشگری نهفته؛ دوسوگرایی

**مقدمه**

ویژگی اصلی اختلال وسواس فکری- عملی (OCD)؛ افکار وسواسی عودکننده یا اعمال وسواسی است. افکار وسواسی شامل افکار، تصاویر و تکانه-هایی هستند که بطور مکرر و ناخواسته وارد ذهن می‌شوند. اعمال وسواسی نیز اعمال ذهنی یا رفتاری تکراری هستند که افراد برای کاهش یا جلوگیری از اضطراب احساس می‌کنند مجبور به اجرای آنها هستند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). این اختلال ماهیتی پیچیده و ناهمگون دارد و رویکردهای مختلفی نیز درصدد تبیین آن برآمده-اند ولی هیچ کدام به طور جامع در این زمینه توفیق نیافته‌اند و هر یک به جنبه-هایی از آن پرداخته‌اند. در همین راستا تئوری‌های روان تحلیل‌گری به نقش تثبیت در مراحل کودکی و مکانیزم‌های دفاعی در شکل‌گیری این اختلال پرداخته‌اند (دادستان، ۱۳۸۷). نظریه‌های روان تحلیلی بر نقش تمایلات پرخاشگرانه سرکوب شده در پیدایش علایم وسواسی تأکید دارند. این رویکرد فرض می‌کند که پرخاشگری نهفته نقش کلیدی در OCD دارد و اخلاق-گرایی افراطی که در این اختلال دیده می‌شود، نتیجه‌ی واکنش وارونه در برابر تکانه‌های پرخاشگری نهفته است. پرخاشگری نهفته، خشونت یا پرخاشگری نسبت به دیگران تعریف می‌شود که به طور مستقیم ابراز نمی‌شود، بلکه به صورت تخیلی یا از طریق سایر روش‌های سانسور شده که معمولاً خارج از دسترس

خود آگاهی‌اند، بیان می‌گردد (موریتز و همکاران، ۲۰۰۹). در سال‌های اخیر رویکردهای شناختی-رفتاری نیز بر پرخاشگری نهفته در آسیب-شناسی اختلال وسواس فکری-عملی تأکید کرده‌اند و حمایت-های تجربی برای این فرضیه بدست آورده‌اند (موریتز و همکاران، ۲۰۰۹؛ ماسکوویچ و همکاران، ۲۰۰۸؛ شوال و همکاران، ۲۰۰۶). از منظر روانکاوی، توجه بسیار زیاد توأم با رفتارهای محبت‌آمیز و باملاحظه‌ای که بیماران مبتلا به OCD در مقابل دیگران نشان می‌دهند، واکنش این بیماران به احساس ناخوشایند خصومت می‌باشد. برخی از متخصصان بالینی معتقدند که افراد مبتلا به وسواسهای فکری در بیان عصبانیت‌های خود دچار مشکل هستند. توجه بسیار زیادی که این افراد به دیگران نشان می‌دهند و رفتارهای محبت‌آمیز و باملاحظه‌ای آنها با دیگران، واکنشهای آنها به احساس ناخوشایند خصومت می-باشد و این نکته ریشه در تفکر روانکاوانه دارد. شواهدی نیز در تائید این نکته وجود دارد. برای مثال خصومت خودتنبیهی را یکی از مشخصه‌های این اختلال‌ها می-دانند (دادس و همکاران، ۱۹۹۳). یافته‌های مشابهی گزارش شده است که نتایج نشان داده‌اند ۳۰ بیمار وسواس فکری عملی بالاترین نمره را در میزان خصومت و برعکس نمره پایینی در بیان خشم کسب کرده‌اند (راچمن، ۱۳۹۱). راچمن نیز به این نتیجه رسید که خصومت بهترین

پیش‌بینی کننده برای وجود نمره بالا در مقیاس وسواس فکری- عملی می‌باشد. در حالیکه نمره‌ی بالا در مقیاس وسواس فکری- عملی، نمره‌ی پایینی در بیان خشم (عصبانیت) نشان می‌دهد. نتایج بدست آمده با این احتمال که افراد مبتلا به وسواسهای فکری آسیب‌رسانی، دارای احساسهای رو به تزاید خصومت می‌باشند، اما ابراز این احساس ها را سرکوب می‌کنند، مطابقت دارد.

در بسیاری موارد خصومت این گونه افراد بطور قابل درکی، واکنشی به بدرفتاری از سوی دوستان و سایر اشخاص می‌باشد. اما هنگامیکه احساسهای متعاقب خصومت، با ارزشی که آنها برای رفتار محبت‌آمیز قائل هستند، در تعارض قرار می‌گیرد، شخص سعی در فرونشانی بیان خشم خود می‌کند. تکرار رویداد افکار مزاحم، ناخوشایند و غیرقابل پذیرش بوده و بیمار در مقابل آنها مقاومت می‌کند. یک جنبه این دشواری ممکن است از حس مسئولیت‌پذیری مفرط آنان، و اینکه گرایش دارند تقصیر را به عوامل درونی نسبت دهند، سرچشمه بگیرد. در موقعیتهایی که آنان عوامل بیرونی را مقصر می‌دانند، بدون شک خشمشان را بروز می‌دهند. این تحلیل که افراد وسواسی هنگامی که چگونگی ابراز خشم خود را می‌آموزند، پیشرفت بهتری حاصل می‌کنند، می‌تواند بعنوان یک تعیین مسیر احساس مسئولیت افراطی و استنادهای درونی بیش از حدشان تعبیر شود (راچمن، ۱۳۹۱).

وجود تعارض بین احساس مسئولیت و پرخاشگری افراد

وسواسی، ناشی از میزان بالای دوسوگرایی در روابط بین فردی این افراد تلقی می‌شود (موریتز و همکاران، ۲۰۰۹). وجود دوسوگرایی می‌تواند تبیین کند که چرا افراد وسواسی متقبل باورهای کمال-گرایانه و استناداردهای بالای اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و کنترل افکار می‌شوند. این باورهای مرتبط با وسواس (مسئولیت‌پذیری و کمال‌گرایی) ممکن است به عنوان یک دستاویز محافظتی در قالب یک راهبرد جبرانی برای استقرار حس ارزشمندی و اخلاقیات عمل کنند.

از سوی دیگر، نظریه‌های شناختی اختلال وسواس فکری- عملی در تبیین مسئولیت‌پذیری افراطی این بیماران، بر اهمیت باورهای شناختی و فراشناختی تاکید دارند. در این راستا مطالعات زیادی اهمیت حس مسئولیت‌پذیری مفرط و ارتباط آن با فراشناختها را مورد تاکید قرار داده‌اند (مایرز و ولز، ۲۰۰۵). مفهوم مسئولیت‌پذیری افراطی که از سوی سالکووسکیس<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) بیان شده است، به گرایش افراد مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی به حس مسئولیت مفرط در مقابل اتفاقهای ناگوار ذهنی یا حقیقی، و یا پیش‌بینی شده اطلاق می‌شود. این مدل بر مسئولیت‌پذیری مفرط بعنوان مولفه شناختی اصلی که باعث بروز مشکلات وسواسی می‌شود تاکید دارد (نیمایر و همکاران، ۲۰۱۳). طبق این نظریه افرادی که مشکلات وسواسی دارند، افکار مزاحم یا تکانه‌های عادی را که در سایر افراد هم رخ می-

7. Salkovskis

فراشناخت فرآیند تفکر درباره‌ی تفکر، آگاهی از آنچه می‌دانیم و آنچه نمی‌دانیم و نیز توانایی کنترل افکار است. فراشناخت به ساختارهای روانشناختی، دانش و فرآیندهایی که درگیر کنترل، اصلاح و تعبیر افکارند، اطلاق می‌شود. در سال‌های اخیر فراشناخت بعنوان یک عامل مهم در رشد و تداوم اختلالات، بویژه اختلال اضطراب فراگیر و وسواس مورد تاکید زیادی قرار گرفته است (ولز و کارترایت هاتون، ۲۰۰۴). طبق مدل فراشناختی وسواس باورهای فراشناختی مرتبط با وسواس به سه حوزه تقسیم می‌شوند: باورهای مربوط به کنترل‌ناپذیری افکار، باورهای مربوط به معنا و اهمیت افکار و باورهای مرتبط با نیاز به انجام آیین‌مندی‌ها. ارزیابی‌های فراشناختی باعث تحریک باورهایی درباره‌ی آیین‌مندی‌ها می‌شود و در نتیجه وسواس‌های عملی و رفتارهای خنثی‌کننده برای کنترل افکار شخص به اجرا درمی‌آیند (نیمایر و همکاران، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد مکانیزم این فرآیند یعنی تحریک باورهای فراشناختی درباره‌ی آیین‌مندی‌ها، مفهوم آمیختگی فکر-عمل باشد. آمیختگی فکر-عمل این ایده را مطرح می‌کند که افکار و باورها مستقیماً می‌توانند باعث وقوع رخدادهایی در جهان شوند و یا به اشیاء دیگر سرایت کنند (مایرز و ولز، ۲۰۰۵). هنگامی که باورهای آمیختگی فعال می‌شوند، منجر به نگرانی در مورد وقوع افکار مزاحم و آشفتگی می‌شود. آشفتگی و

دهد، به عنوان یک خطر برای خود و دیگران ارزیابی می‌کنند و خود را مسئول این خطرات می‌دانند. افراد وسواسی افکار مزاحم را سوء تعبیر می‌کنند؛ به گونه‌ای که وقوع آن نشان از مسئولیت‌پذیری مفرط برای جلوگیری از وقوع آسیب و خطر است. این ارزیابی مسئولیت‌پذیری منجر به ترس و برانگیختگی شدید می‌شود و افراد را برمی‌انگیزد که به منظور جلوگیری از وقوع پیامدهای ناگوار به رفتارهای خنثی‌سازی متوسل شوند. مبنای مدل شناختی سالکووسکیس، نظریه‌ی شناختی بک است که طبق آن وسواس‌ها و اعمال اجباری از باورهای ناکارآمد ناشی می‌شود.

رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری و فراشناخت‌ها دقیقاً مشخص نیست. هرچند ولز<sup>۸</sup> (۲۰۰۴) در مدل کارکرد خودتنظیمی خود به این مسئله اشاره کرده و در آن فراشناخت‌ها را علت سببی مسئولیت‌پذیری مفرط دانسته است. از سوی دیگر سالکووسکیس در مدل شناختی وسواس اگرچه صریحاً به فراشناخت اشاره نکرده ولی بنظر می‌رسد آن را بیشتر به صورت جزئی از مسئولیت‌پذیری در نظر می‌گیرد. در نظر اول شاید این دو مفهوم چندان ارتباطی با هم نداشته باشند ولی مفهوم مسئولیت‌پذیری در بافت مدل ارزیابی (باتوجه به تعبیر افکار شناختی مزاحم بعنوان یک جزء اصلی از مدل ارزیابی وسواس) بسیار شبیه به مفهوم فراشناخت است (نیمایر و همکاران، ۲۰۱۳).

انحراف استاندارد 3/39 سال است.

**ابزار:** پرسشنامه‌ی باورهای فراشناختی (MCQ-30): یک مقیاس خودگزارشی ۳۰ سؤالی است که توسط ولز و کارترایت-هاتون<sup>۹</sup> (۲۰۰۴) ساخته شده و شامل ۵ خرده مقیاس نگرانی مثبت، کنترل ناپذیری و خطر، اطمینان شناختی، نیاز به کنترل افکار و خودآگاهی شناختی است. سئوالات این پرسشنامه بر روی یک مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در ایران شیرین زاده دستگردی و همکاران (۱۳۸۷) همسانی درونی این آزمون را برای کل خرده مقیاس‌ها 0/91 گزارش کرده‌اند.

پرسشنامه وسواس سنج مادزلی (MOCI): این پرسشنامه‌ی ۳۰ سؤالی که در دهه ۱۹۷۰ در بیمارستان مادزلی<sup>۱۰</sup> ساخته شد، به صورت درست و غلط نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه شامل ۴ خرده مقیاس واریسی کردن، شستشو، کندی/تکرار و شک/وجدانی بودن است. ضریب اعتبار این آزمون در ایران 0/65 گزارش شده است (صرامی و همکاران، ۱۳۸۸).

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری سالکووسکیس (۲۰۰۰): یک مقیاس خودگزارشی ۲۶ سؤالی است که بر روی یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود. در ایران اعتبار برآورد شده برای کل آزمون 0/76 و آلفای کرونباخ 0/89 بوده است (پورفرج و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش برای

احساس خطر باعث تحریک باورهایی درباره‌ی آیین‌مندی-ها می‌شود که نهایتاً منجر به خنثی‌سازی و رفتارهای مقابله-ای می‌شود. با وجود نظریه‌ی زیربنایی مشترک مسئولیت-پذیری و فراشناخت، این نکته که آیا مسئولیت‌پذیری مفرط یک عامل سببی در بروز فراشناخت‌های ناکارآمد است (آن گونه که سالکووسکیس به طور تلویحی اشاره می‌کند) یا این که نتیجه و محصول فراشناخت است (آن گونه که ولز مطرح می‌کند)، کماکان حل نشده باقی مانده است. از سوی دیگر، همان طور که گفته شد تئوری پرخاشگری نهفته وسواس مطرح می‌کند که مسئولیت‌پذیری مفرط در وسواس حالت وارونه شده پرخاشگری و حس خصومت در روابط بین فردی است و با توجه به دوسوگرایی، به عنوان یک خصیصه وسواس تبیین می‌شود. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه این سه عامل (فراشناخت، مسئولیت‌پذیری و پرخاشگری نهفته) و تعیین نقش هر یک از آنها در پیش‌بینی و تبیین اختلال وسواس فکری-عملی انجام شده است.

## روش

**شرکت‌کنندگان:** پژوهش حاضر از منظر هدف در دسته‌ی طرح‌های همبستگی قرار می‌گیرد. جامعه پژوهشی حاضر شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل دانشگاه خوارزمی بود که از آن میان، ۱۵۸ نفر شامل ۱۰۰ دختر (۶۳ درصد) و ۵۸ پسر (۳۷ درصد) از طریق نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۴۱ سال با میانگین 22/66 و

9. Cartwright-Hatton  
10. Maudsley

سنجش متغیر مسئولیت‌پذیری استفاده شده است. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری و نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی موریتز<sup>۱۱</sup> (RIBAQ): یک مقیاس ۳۲ آیتمی خودگزارشی است که توسط موریتز (۲۰۰۹) ساخته شده است. و در طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق نمره گذاری می‌شود. شامل ۳ خرده مقیاس نگرانی مفرط/مسئولیت‌پذیری (اعتبار 0/87)، پرخاشگری نهفته/محاسبه رفتار (اعتبار 0/70) و بدگمانی بی‌اعتمادی (اعتبار 0/75) است (موریتز، ۲۰۰۹) و برای سنجش متغیر پیش‌بین پرخاشگری نهفته مورد استفاده قرار گرفته است.

### یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط سه عامل فراشناخت، مسئولیت‌پذیری و پرخاشگری نهفته و تعیین نقش هر یک از آنها در پیش‌بینی و تبیین اختلال وسواس فکری-عملی دانشجویان طراحی شده بود. برای دستیابی به هدف فوق از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین نمره کل علایم وسواسی ۳۹/۰۱، باورهای فراشناختی ۶۷/۱۷، مسئولیت‌پذیری ۱۰۱/۴۴ و مقیاس RIBAQ ۷۳/۷۷ است.

11 . Responsibility and Interpersonal Behaviors and Attitudes Questionnaire (RIBAQ)

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	N
سن	22/6	3/39	۱۵۸
جنسیت	-	-	۱۵۸
<b>RIBAQ</b>			۱۵۸
نگرانی-مسئولیت-	<b>73/77</b>	<b>10/38</b>	۱۵۸
پذیری	42/35	7/55	۱۵۸
پرخاشگری	17/97	3/03	۱۵۸
نهفته/محاسبه رفتار	13/44	3/00	۱۵۸
بدگمانی/بی اعتمادی	<b>101/44</b>	<b>25/76</b>	۱۵۸
<b>مسئولیت‌پذیری</b>			۱۵۸
<b>فراشناخت</b>	<b>67/17</b>	<b>15/39</b>	۱۵۸
باورهای مثبت	12/70	4/89	۱۵۸
درباره نگرانی	12/86	4/43	۱۵۸
کنترل ناپذیری و خطر	11/42	4/26	<b>158</b>
اطمینان شناختی	14/03	3/93	
نیاز به کنترل افکار	16/15	3/65	
خودآگاهی شناختی	<b>39/01</b>	<b>5/59</b>	
<b>علایم وسواسی</b>			

پذیری، پرخاشگری نهفته، عدم اعتماد) را نشان می‌دهد. همان طور که نتایج ارائه شده در جدول ذیل نشان می‌دهد، تمام متغیرهای پژوهش به جز زیر مقیاس پرخاشگری نهفته با علائم وسواس در سطح  $P < 0/001$  همبسته هستند.

جدول ۲ نتایج همبستگی سه متغیر فراشناختی (شامل خرده مقیاس‌های نگرانی مثبت، کنترل‌ناپذیری و خطر، اطمینان شناختی، نیاز به کنترل افکار، خود آگاهی شناختی) مسئولیت‌پذیری و نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی موریتز (نگرانی- مسئولیت-

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

MOCI	مسئولیت-پذیری	خود آگاهی	نیاز به کنترل افکار	اطمینان شناختی	کنترل ناپذیری	نگرانی	عدم اعتماد	پرخاشگری	نگرانی/مسئولیت-پذیری	MOCI
۱	0/36**	0/36**	0/39**	0/23**	0/47**	0/25**	0/26**	0/08	0/36**	۱
		0/27**	0/39**	0/18*	0/38**	0/22**	0/19*	0/38**	0/55**	نگرانی-مسئولیت
			0/18*	0/29**	0/26**	0/14	0/35**	۱	0/35**	پرخاشگری نهفته
			0/25*	0/31**	0/34**	0/17*	۱		0/35**	عدم اعتماد



نگرانی مثبت	0/32**	0/35**	0/42**	0/23**	0/35**	۱
کنترل‌ناپذیری	0/51**	0/46**	0/61**	0/48**		۱
اطمینان شناختی	0/28**	0/19*	0/43**			۱
نیاز به کنترل افکار	0/57**	0/56**				۱
خود آگاهی شناختی	0/46**					۱
مسئولیت‌پذیری						۱

پذیری (پرسشنامه مسئولیت-پذیری و نگرش‌ها و رفتارهای بین فردی موریتز) و در نهایت خود آگاهی شناختی (باور فراشناختی) بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی را داشت. نتایج جدول ذیل حاکی از آن است که این سه متغیر در مجموع تقریباً ۲۸/۵ درصد از واریانس نشانه‌های اختلال وسواس فکری- عملی را پیش‌بینی می‌کنند.

در مرحله بعد، به منظور تعیین نقش هر یک از متغیرهای پژوهش در پیش‌بینی علائم OCD، از رگرسیون گام به گام استفاده شد. همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، از بین متغیرهای پیش-بین، کنترل‌ناپذیری (پرسشنامه فراشناختی) بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی علائم وسواسی است در مرحله‌ی بعد نگرانی- مسئولیت-

جدول ۳: پیش‌بینی متغیر MOCI با استفاده از متغیرهای نگرانی- مسئولیت‌پذیری، پرخاشگری نهفته، عدم اعتماد، نگرانی مثبت، کنترل‌ناپذیری، اطمینان شناختی، نیاز به کنترل افکار

متغیرها	R	R <sup>2</sup>	درجه آزادی	F	B	Beta	سطح معناداری
کنترل‌ناپذیری	0/47	0/22	156	46/09	0/60	0/47	0/001
کنترل‌ناپذیری نگرانی/مسئولیت	0/51	0/26	155	27/94	0/50	0/39	0/001
کنترل‌ناپذیری نگرانی/مسئولیت	0/53	0/28	154	20/31	0/41	0/33	0/001
خود آگاهی شناختی					0/14	0/19	0/01
					0/23	0/15	0/05

نگرانی و خود آگاهی شناختی (به عنوان عامل فراشناختی) بیشترین تغییرات نشانه‌های اختلال را پیش‌بینی کردند. این یافته با پژوهش‌های دیگر همسو است. کالس<sup>۱۲</sup> و همکاران به نقل از نیمایر<sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش

**بحث**  
هدف از پژوهش حاضر بررسی سهم پیش‌بینی‌کننده سه عامل فراشناخت، مسئولیت‌پذیری و پرخاشگری نهفته در اختلال وسواس فکری- عملی بود. همان طوری که در قسمت نتایج اشاره شد نیاز به کنترل افکار (به عنوان عامل فراشناختی)، مسئولیت -

12. Coles  
13. Niemeyer

ها (حتی با وجود کنترل مسئولیت‌پذیری) به خوبی می‌تواند علایم OCD را پیش‌بینی کند. درحالی‌که رابطه بین مسئولیت‌پذیری و علایم وسواسی در صورت کنترل فراشناخت‌ها معنادار نبود. بوچارد<sup>۲۰</sup> و همکاران (۱۹۹۹) نیز نشان دادند که مسئولیت‌پذیری با OCD ارتباط دارد. مطالعه موسوی و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که مسئولیت‌پذیری افراطی و خشم نهفته ارتباط معناداری با نشانه‌های وسواس دارد که اولی همسو و دومی نا همسو با یافته‌های این پژوهش است. بنابراین از بین تمام متغیرهای مورد مطالعه فراشناخت و مسئولیت و نگرانی بیشترین سهم را در پیش‌بینی علایم اختلال وسواس فکری - عملی بر عهده داشتند.

به‌طور خلاصه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های فراشناختی با علایم وسواسی ارتباط مثبت و مستقیمی وجود دارد و در این بین زیرمقیاس‌های نیاز به کنترل افکار و خودآگاهی شناختی بیشترین توانایی تبیین علایم وسواسی را دارند. یافته‌های این پژوهش با توجه به مبانی نظری و مدل‌های درمانی زیربنایی، می‌تواند کاربردهای عملی داشته باشد و پیشنهادات درمانی را توجیه کند. نظر به نقش مهم باورهای فراشناختی در پیش‌بینی و تبیین علایم وسواسی، استفاده از درمان فراشناختی و تکنیک‌های آن به‌ویژه فنون چالش با باورهای مرتبط با نگرانی و باور درباره کنترل فکر مثرتر به نظر می‌رسد.

خود نقش باورهای فراشناختی در پیش‌بینی علایم وسواسی را متوسط بدست آوردند. پازوانت-قولی<sup>۱۴</sup> و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که نیاز به کنترل و OCD همبستگی بسیار بالایی دارند. آبراموویتز<sup>۱۵</sup> و همکاران (۲۰۰۳) نیز نشان دادند که بیماران وسواسی بیش از سایر بیماران اضطرابی و همچنین بیش از گروه کنترل فکر استفاده می‌کنند. ایراک<sup>۱۶</sup> و تاسون<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۸) معتقدند که نیاز به کنترل افکار و باورهای مرتبط با خطر پیش‌بینی کننده علایم انواع مختلف وسواس‌ها بود. مطابق داده‌های جدول ۳ نگرانی و مسئولیت دومین عاملی است که سهم مهمی در پیش‌بینی OCD دارد. در همین راستا نیمایر و همکاران، (۲۰۱۳) نشان دادند که فراشناخت و مسئولیت به خوبی نشانه‌های OCD را پیش‌بینی می‌کنند همچنین نتایج بررسی مایرز<sup>۱۸</sup> و ولز (۲۰۰۵) نشان داد که طبق انتظار هم مسئولیت‌پذیری و هم فراشناخت با علایم OC همبستگی مثبت معناداری داشتند. ولی نکته قابل توجه این است که پس از کنترل رابطه متقابل بین فراشناخت و مسئولیت‌پذیری، این باورهای فراشناختی بود که نقش پیش‌بینی کننده خود را حفظ کرد ولی مسئولیت‌پذیری در این حالت قدرت پیش‌بینی کننده خود را از دست داد. فیشر<sup>۱۹</sup> و ولز (۲۰۰۸) نیز نشان دادند که فراشناخت-

14. Pazvantoglu  
15. Abramowitz  
16. Irak  
17. Tosun  
18. Myers  
19. Fisher

20. Bouchard

## References

- Abramowitz, J. S., Whiteside, S., Kalsy, S. A., & Tolin, D. F. (2003). Thought control strategies in obsessive-compulsive disorder: a replication and extension. *Behaviour Research and Therapy*, 41, 529-540.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders*, 5th ed. Arlington, VA, American Psychiatric Association.
- Bouchard, C., Rhéaume, J., & Ladouceur, R. (1999). Responsibility and perfectionism in OCD: An experimental study. *Behaviour Research and Therapy*, 37, 239-248.
- Dadds, M., Gaffney, L. R., Kenardy, J., Oei, T. P., Evans, L. (1993). An exploration of the relationship between expression of hostility and the anxiety disorder. *Journal of psychiatric research*, 7, 17- 26.
- Dadsetan, P. (2009). *Developmental Psychopathology: From Infancy through Adulthood*. Samt Pub.
- Fisher, P. L., & Wells, A. (2008). Metacognitive therapy for obsessive-compulsive disorder: A case series. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 39, 117-132.
- Irak, M., Tosun, A. (2008). Exploring the role of metacognition in obsessive-compulsive and anxiety disorder. *Journal of anxiety disorder*, 22, 1316-1325.
- Moosavi, S. S., Naziri, G., & Mohammadi, M. (2012). Relationship between Latent Aggression, Inflated Responsibility, Guilt Feeling and Reaction Formation with Severity of Obsessive-Compulsive Symptoms. *Zahedan Journal of Research in Medical Sciences*, 14, 30-34.
- Moritz, S., Wahl, K., Ertle, A., Jelinek, L., Hauschildt, M., Klinge, R., Hand, I. (2009). Neither Saints nor Wolves in Disguise: Ambivalent Interpersonal Attitudes and Behaviors in Obsessive-Compulsive Disorder. *Behavior Modification*, 33, 274-292.
- Moscovitch, D.A., McCabe, R.E., Antony, M.M., Rocca, L., Swinson, R.P. (2008). Anger experience and expression across the anxiety disorders. *Depression and Anxiety*, 25, 107-113.
- Myers, S. G., Wells, A. (2005). Obsessive-compulsive symptoms: The contribution of metacognitions and responsibility. *Journal of Anxiety Disorders*, 19, 806-817.
- Niemeyer, H., Moritz, S., Pietrowsky, R. (2013). Responsibility, metacognition and unrealistic pessimism in obsessive-compulsive disorder. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 2, 119-129.
- Pazvantoglu, O., Algul, A., Ates, M. A., Sarisoy, G., Ebrinc, S., Basoglu, C., & Cetin, M. (2013). Metacognitive Functions in Obsessive Compulsive Disorder in a Turkish Clinical Population: The Relationship between Symptom Types and Metacognition Subdimensions. *Klinik Psikofarmakoloji Bulteni*, 23(1).
- Pourfaraj, M., Hashemi, T., Khanjani, Z. (2012). Comparison of Responsibility and Thought-Action Fusion in patients with OCD and GAD. *Journal of news in Cognition Sciences*, 4, 49-56.
- Rachman, S. (2012). *The Treatment of Obsession*. Translated by: Afrouz, Gh & Ghorbankhani, M. Arjmand Pub.
- Salkovskis, P. M., Wroe, A. L., Gledhill, A., Morrison, N. (2000). Responsibility attitudes and interpretations are characteristic of obsessive-compulsive disorder. *Behavior Research and Therapy*, 38, 347-372.
- Sarami, Z., Amiri, Sh., Neshatdoust, H, T., Molavi, H. (2009). Obsessive-Compulsive Disorder of Mother and Anxiety in Children. *Journaj of Iranian psychologist*, 20, 333-342.
- Shirinzadeh Dastgerdi, S., Goudarzi, M, A., Rahimi, Ch., Naziri, Gh. (2008). Study of Factor Structure, Validity and reliability of Metacognition Questionnaire 30. *Psychology journal*, 12, 445-461.
- Shoval, G., Zalsman, G., Sher, L., Apter, A., Weizman, A. (2006). Clinical

characteristics of inpatient adolescents with severe obsessive-compulsive disorder. *Depression and Anxiety*, 23, 62–70.

Wells, A., & Cartwright-Hatton, S. (2004). A short form of the metacognitions questionnaire: properties of the MCQ 30. *Behaviour Research and Therapy*, 42, 385–396.